



معاون دیپلماتیک رئیس جمهور، وبه عهده گرفتن مسئولیت کامل تعامل با آمریکا توسط رئیس جمهور؛ (ب) ایشان اعلام نمایند که حاضر است مذاکرات مستقیم با آمریکا را آغاز نماید؛ مذاکراتی که: مستقیم، شفاف و اعتمادآفرین برای حل مشکلات میان ایران و آمریکا باشد. ج) ایشان باید برای مذاکرات جامع و مستقیم با آمریکا تیم ویژه‌ای تشکیل داده، و هماهنگی‌های داخلی را نیز شخصاً به عهده بگیرد. ایران باید «گذر زمان» و «ضرورت مذاکره مستقیم» را جدی بگیرد.»

▼ صف آرایی مخالفان

آن‌هایی که در ابتدای اعلام این خبر به جرگه مخالفان دیپلماسی پیوستند، در حال حاضر با نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند.  
**میثم نیلی، مدیر سایت رجانیز** در توییت خطاب به عراقچی نوشت: «جناب آقای عراقچی حال مبارک خوب است؟ ایدیدار؟ رده بالا؟ غیر مستقیم!!! چرا عبرت نمی‌گیرید از گذشته خودتان؟ فراموش کردید بیانات صریح بیست روز قبل رهبر عزیز و مقتدرمان را؟ یا بازی می‌کنید؟» «مبادا مصداق آیه فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم باشد. تأمل برادر.»

**امیرحسین ثابتی منفرد، نماینده تهران در مجلس** در تلگرام نوشت: «مذاکره با آمریکا یعنی سرکار گذاشتن مردم؛ چه مستقیم و چه غیر مستقیم. تا وقتی که شریان‌های اقتصادی کشور دست امثال مهدی جهانگیری، علی انصاری، حمید کشاورز، محمدشریعتمداری، ... است اگر بر فرض محال آمریکا تحریم‌ها را لغو کند و ۵۰۰ میلیارد دلار هم بلاعوض به ایران بدهد باز مشکلی حل نخواهد شد بلکه فقط سرمایه‌های ایرانیان بیشتر خواهد شد. تنها راه تحول اقتصادی در کشور «برهم زدن نظم اقتصادی فعلی»، بازپس گرفتن سرمایه حرام خواران و بازتوزیع منابع عمومی به صورت عادلانه در بین توده‌های مردم است. وگرنه دلاری که با خبر مذاکره ۵ هزار تومان پائین بیاید، فردا با خبر مخالفت ایران با خلع سلاح شدنش ۵۰ هزار تومان بالا خواهد رفت. متأسفانه دولت پزشکیان بدون هیچ برنامه‌ای برای اقتصاد، همان راه غلط دولت روحانی را با سرعت بیشتر در پیش گرفته. یعنی سرکار گذاشتن مردم با اخبار مذاکره و شسوک‌های پی در پی به قیمت ارز و چاقی تر کردن سوریسرمایه‌دارانی که مثل بختک به جان اقتصاد کشور افتاده‌اند. راه حل مشکل اقتصاد ایران، التماس به «استکبار خارجی» برای امتیاز گرفتن نیست. مقابله با «استکبار داخلی» و زلوفضتانی است که اقتصاد سیاسی کشور را قبضه کرده‌اند.»

**عبدالله گنجی، روزنامه‌نگار اصولگرا** موضعی خنثی در این مورد داشت: «ما با صدام در پایان جنگ مذاکره غیر مستقیم داشتیم، الان روسیه و اوکراین مذاکره غیر مستقیم دارند. معمولاً کشورهایی که منازعه و دشمنی دارند وقتی بر سر چیزی غیر آنچه باعث اصل دشمنی است مذاکره می‌کنند غیر مستقیم است. چون اعتماد ندارند وزیر پایشان سفت نیست. طرف سوم در واقع شاهد و ثبت کننده است. اگر مسیر آینده هموار دیده شد و تعدیل مواضع محقق شد، بعضاً به مستقیم تبدیل می‌شود. این ششمین دور مذاکره ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی است. در پنج دفعه قبل به تعهدات عمل نکرده‌اند.» او در پست دیگری نیز نوشت: «ترامپ شخصاً امور رسانه‌ای و اطلاع رسانی مربوط به مذاکرات ایران-آمریکا را بر عهده دارد. سطح خبری یک مقام عالی با سطح اطلاع رسانی رسانه‌ای در ایران به حالت نامتوازن تبدیل شده است. باید تجدیدنظر کرد. ترامپ روایت اول را در دست گرفته است.»

نفی دیپلماسی برداختند. حتی روز گذشته اعلامی برای تجمع مقابل وزارت امور خارجه نیز در شبکه‌های اجتماعی پخش شد.

**سیدحسین موسویان، محقق مستقر در دانشگاه پرینستون و دیپلمات پیشین** در این مورد گفت: «آمریکا و ایران هر دو دربارہ مستقیم و غیر مستقیم بودن مذاکرات پیش رو، درست می‌گویند و تجربه مشابهی، پیش از این وجود داشته است. مذاکرات استانبول بدین ترتیب در زمان اوباما انجام شد که ابتدا، مذاکرات با حضور خانم اشتون شروع شد و سپس او اتاق را ترک کرد و مذاکرات مستقیم آغاز شد. به نظر می‌رسد در روز شنبه نیز، آقایان عباس عراقچی و استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در خاورمیانه، به شکل غیر مستقیم [با میانجیگری عمان] به مدت یک تا دو ساعت گفت‌وگو می‌کنند و در صورتی که نتیجه مثبت باشد، مذاکرات مستقیم شروع خواهد شد. به نظر می‌رسد تهران و واشنگتن رویکرد هوشمندانه‌ای در پیش گرفته‌اند.»  
**حسن بهشتی‌پور، تحلیلگر ارشد سیاست خارجی** در گفته‌ها با ایسنا اظهار داشت: «در مذاکراتی که به مذاکرات برجام منتهی شد، یک دور مذاکرات محرمانه در مسقط داشتیم که بسیار کلیدی و مهم بود و در آنجا آمریکا غنی‌سازی ایران را پذیرفت. الان هم مهم است که در پیش درآمد مذاکرات، ایران و آمریکا ابتدا بر سر مهم‌ترین موضوعاتشان به یک توافق و تفاهم برسند. بنابراین به تفاهم کلیدی رسیدن قبل از ورود به مذاکرات در عمان مهم است و قفل گفت‌وگو را باز می‌کند. مذاکرات غیر مستقیم در دولت شهید رئیسی برای احیای برجام را شاهد بودیم که مسئولان ایرانی در یک اتاق بودند و مسئولان آمریکایی در اتاق دیگر و پیام‌ها را طرف اروپایی جابه‌جا می‌کرد که نتیجه‌ای نداشت. معتقدم باید جزی تر به مسائل نگاه کرد. بهترین اقتصاد هم داشته باشیم برای پایان دادن به تحریم‌ها باید مذاکره کنیم و مستقیم و غیر مستقیم و محرمانه و غیر محرمانه فرقی ندارد.»

**صابر گل‌عنبری، تحلیلگر مسائل خاورمیانه** معتقد است که آمریکا این موضوع را از اسرائیل مخفی نگه داشته بود: «در این مدت که تهران و واشنگتن در حال برنامه‌ریزی برای چنین دیداری بوده‌اند، هیچ اطلاعاتی از آن در رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی درز پیدا نکرد و همین نشان می‌دهد که طرف آمریکایی تا زمان اعلام خبر از جانب ترامپ و آن هم در نشست خبری با نتانیاهو مسئله را محرمانه نگاه داشته است؛ دلیل آن هم احتمالاً نگرانی از واکنش اسرائیل برای دست زدن به کاری و اقدامی با هدف ممانعت از برگزاری این مذاکرات بوده است.»  
**ولی نصر، مشاور سابق اوباما** نوشت: «با اعلام علنی اینکه مذاکرات به صورت مستقیم خواهد بود، ترامپ ایران را در تنگنا قرار داد. تهران برای اینکه نشان ندهد موضعش را تغییر داده، همچنان بر غیر مستقیم بودن مذاکرات پافشاری می‌کند. اما در واقع، برگزاری مذاکرات مستقیم به نفع ایران است، زیرا می‌تواند نشان‌دهنده ابتکار عمل و جهت‌گیری باشد. هر دو طرف مایل اند وضعیت کنونی را تغییر دهند و احتمالاً برای حفظ ظاهر، مذاکرات را به صورت غیر مستقیم آغاز خواهند کرد، اما در ادامه مستقیماً یکدیگر وارد گفت‌وگو خواهند شد. در نهایت، قالب مذاکرات کمتر از محتوای آن اهمیت خواهد داشت.»

**حمید اوباطی، دیپلمات پیشین و معاون سیاسی دفتر روحانی در دوران ریاست جمهوری** در یادداشتی کوتاه به ارائه یک پیشنهاد در این حوزه خطاب به مسعود پزشکیان پرداخت: «باید دو کشور از این وضعیت نین‌بست خارج شوند؛ لذا با توجه به شرایط موجود، بهترین وضعیت این است: (الف) ایجاد سمت

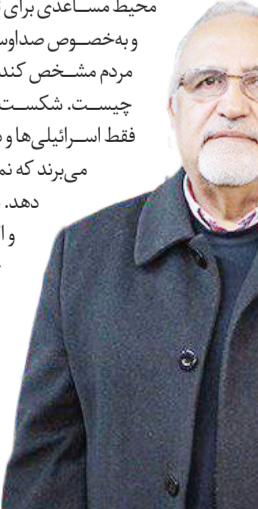


علی اکبر فرازی: سفیر پیشین در مجارستان:

نتانیاهو حساب شده موضوع لیبی را مطرح کرد

حزبی و جناحی باید این تیم به‌طور کامل در داخل کشور حمایت شود که بتوانیم این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذاریم.»  
فرازی یادآور شد: «نتانیاهو با حیل‌گری موضوع پیاده‌سازی سناریوی لیبی را برای ایران مطرح کرد. وضعیت مطلوب برای اسرائیل و شخص نتانیاهو آشفتگی منطقه است و مایل هستند که آمریکایی‌ها را به جنگ بکشاند تا به اهداف خودشان برسند. مخالفان داخلی دیپلماسی که می‌خواهند با این روند دیپلماتیک مخالفت کنند یادشان باشد که نتانیاهو کد لیبی را داده که آن را تبدیل به اسم رمزی برای داخل و خارج ایران برای کارشکنی در مسیر مذاکرات کند. در حالی که لیبی کردن ایران اصلاً امکان ندارد. لیبی دانشی در حوزه هسته‌ای و موشکی از خود نداشت و دست آخر هم آن را بار کشتی کرد و به غرب تحویل داد. اما ایران در این حوزه‌ها صاحب دانش است. اینکه فردی مثل نتانیاهو بگوید «خوب است همان کاری که بالیبی شد را با ایران هم انجام بدهیم»، برای تهییج افکار مخالفان داخلی خیلی کاربرد دارد که از این طریق مسئولین کشور را از مذاکره و دیپلماسی بترسانند. اوبیسار حساب شده این موضوع را مطرح کرد.»  
این تحلیلگر ارشد سیاست خارجی تأکید کرد: «باید مواظب باشیم که دشمن خارجی حرف خود را از زبان دوستان ناآگاه داخلی بیان نکند. بسیار مهم است که فضای رسانه‌ای در این حوزه چگونه پیش برود. نباید محیط مساعدی برای تفرقه‌افکنی ایجاد شود. رسانه‌های جمعی و به‌خصوص صداوسیما که مخاطب بیشتری دارد باید برای مردم مشخص کند بدیل عدم مذاکره یا شکست دیپلماسی چیست. شکست مذاکرات تنها خواست دشمنان است و فقط اسرائیلی‌ها و دیگر رقبای منطقه‌ای از این موضوع سود می‌برند که نمی‌خواهند ایران در صلح به بالندگی ادامه دهد. شرایط امروز در منطقه و نظام بین‌الملل و البته داخل کشور، بسیار متفاوت از دهه ۹۰ خورشیدی و دوران مذاکرات هسته‌ای و توافق سال ۲۰۱۵ است. توان و تحمل مردم را هم باید در این زمینه در نظر گرفت. مردم همیشه پشتیبان تصمیمات دولت و نظام بودند و این بار هم باید از این پشتوانه استفاده کرد. برای همین نباید از سوی دشمنان یا دوستان ناآگاه در صف مردم رخنه‌ای ایجاد شود.»

علی اکبری فرازی از تحلیلگران ارشد حوزه سیاست خارجی است که سابقه خدمت به عنوان سفیر در کشورهای مجارستان، قبرس و رومانی را در کارنامه‌اش دارد. فرازی در گفت‌وگو با خبرنگار هم‌میهن به تحلیل شرایط جدید میان ایران و آمریکا و باز شدن مسیر مذاکره در عمان پرداخت. فرازی گفت: «با توجه به شرایط بین‌المللی و تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده، فعلاً نمی‌توان به گمانه‌زنی پرداخت که مسیر مذاکرات به چه صورت پیش خواهد رفت. اما نفس شروع این روند را باید به فال نیک گرفت. همین قدر که طرفین می‌نشینند حتی به صورت غیر مستقیم مشکلات و مسائل را مطرح می‌کنند گام بزرگی است. در مسیر حل مسائل نباید تعجیل و فکر کرد که موضوعات به سادگی قابل حل است. چرا که مسائل پیچیده میان دو کشور زیاد است و حل آنان زمان‌بر است. اما امیدمان این است که دو طرف با حسن نیت بتوانند به خواسته‌هایشان برسند.»  
او تأکید کرد: «طرف آمریکایی یعنی ترامپ می‌گوید خواسته اصلی اش عدم امکان دسترسی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای است. امری که ما رسماً و بارها اعلام کرده‌ایم به دنبال آن نیستیم و در نظام چنین تصمیمی وجود ندارد. اما در طرف دیگر، این موضوع مرتب از طریق رسانه‌ها تکرار می‌شود که هدف ایران دستیابی به سلاح هسته‌ای است. در حالی که دانش هسته‌ای لزوماً به معنای دستیابی به سلاح نیست، بلکه کاربردهای متفاوتی دارد و حق هر کشوری است که بتواند از این دانش استفاده کند. بنابراین امیدوارم اعتماد متقابل میان دو طرف در گفت‌وگوها به وجود بیاید و طرفین قدم به قدم پیش بروند. یادمان نرود که حل مشکلات ایران و آمریکا فقط برای دو کشور بلکه برای کل منطقه سودمند است. بنابراین باید از این گفت‌وگوها مراقبت کرد چون این روند دشمن‌های زیادی در اطراف ما دارد؛ از جمله رژیم اشغالگر قدس و شخص نتانیاهو که مایل نبودند این گفت‌وگو شکل بگیرد و امروز همه تلاش‌شان را برای تخریب انجام خواهند داد که گفت‌وگوها را عقیم بگذارند. در کنار این اقدامات خارجی، باید در داخل هم مواظب سنگ اندازی‌ها باشیم. مخالفین مذاکره حرف‌شان را به راحتی می‌زنند اما مواظب باشیم که سنگی جلوی راه تیم مذاکره کننده نیاندازند. تیم مذاکره کننده همانطور که آقای ظریف گفتند، مجرب و قوی هستند که تجربه زیادی از مذاکرات قبلی دارند. بنابراین فارغ از همه نگاه‌های



فوکوس کیش اعظم

درباره عکسی از کنفرانس خبری ترامپ و نتانیاهو

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

فوکوس دزد یا فوکوس کش اصطلاحی رایج بین اهالی سینماست. در واقع به بازیگری که در صحنه اکت عجیب و غریب می‌کند اطلاق می‌شود. این کار عموماً باعث می‌شود که بازی دیگر کاراکترهای موجود در صحنه دیده نشود. این دیده نشدن دیگران مطلقاً به این معنا نیست که بازیگر مورد نظر توانایی بازیگری ویژه‌ای داشته و به واسطه آن توانسته چشم مخاطب را به سوی خودش بکشد. بلکه حتی یک هنرور در یک‌گراند تصویر هم اگر فوکوس دزد باشد، می‌تواند درست در بزنگاهی با حرکتی اضافه چشم مخاطب را به سوی خودش بکشد. اگر قرار باشد این رفتار را فارغ از سینما در عرصه سیاست مورد بررسی قرار دهیم بدون شک می‌توانیم لقب فوکوس کش اعظم را به دونالد ترامپ بدهیم. برای اثبات حرقم کافی است نگاهی به دو نشست خبری ترامپ با رنلسکی و نتانیاهو بیاندازید. او در واقع جوری صحنه را به هم می‌ریزد که هیچ فیلمبردار و عکاسی توانایی فوکوس نکردنش را نداشته باشد. ترامپ حقیقتاً ابزار این کار را خوب می‌شناسد. ابزار این کار یعنی بازیگر مورد نظر تو بخوان رئیس جمهور آمریکا هم باید دوربین و مناسبات صحنه بشناسد، هم لحظه قطعی بداند و هم درک عمیقی از مخاطب داشته باشد. ترامپ سال‌های زیادی از عمرش را در کشتی کج گذرانده. در کشتی کج و آنجایی که ترامپ حضور داشت ورود به صحنه تنها با فوکوس دزدی امکان‌پذیر بود. بنابراین رئیس جمهور حال حاضر آمریکا در حقیقت فارغ‌التحصیل دانشگاه فوکوس دزدی است. شما به فیلم‌ها نگاه کنید. او کاری به روند منطقی صحنه، کاری به سوال و جواب‌ها و مطلقاً کاری به هیچ چیز و هیچ کس ندارد. او تمام مدت مصاحبه‌ها و نشست‌های خبری به فکر این است که چطور توجه همه دوربین‌ها را به خودش جلب کند. او تمام حواسش را برای این می‌گذارد که کاری کند هیچ بازیگری غیر از خودش در صحنه دیده نشود. درست مثل صحنه‌ای از مسابقات کشتی کج که ناگهان یک نفر از میان تاریکی بلند و شمع محفل می‌شود.

